

## زنگ خطر برای سیستم بانکی در کشور با افزایش حجم مطالبات

علیرضا گرشابی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### جهان اقتصاد

صنعت بانکداری یکی از مهمترین بخش های هر اقتصاد به شمار می رود. زیرا بانک ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی به شمار می روند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک ها هستند که عهده دار بخش عمده تامین مالی نیز می باشند. از طرفی در فرآیند آزادسازی بازارهای مالی و پیوند با بازارهای جهانی، کارایی شرط لازم است. اما بانک ها نیز برای تداوم حیات خود نیازمند شرایط و الزاماتی هستند که عدم توجه به آن ها می تواند مشکلات متعددی را برای آنها به وجود آورد. یکی از مهمترین این موارد توجه به مطالبات سیستم بانکی از دولت در اقتصاد است.

در یک بررسی آماری مجموع مطالبات سیستم بانکی ایران از دولت از ۲۲۱۲۳۹.۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ به رقم ۳۲۴۰۲۶.۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان از افزایش ۴۶ درصدی این مطالبات تنها در یک سال دارد. مضافاً بر اینکه، بررسی در دوره زمانی بلندمدت مانند ۹۰-۱۳۸۰ نشان از ۸ برابر شدن مطالبات سیستم بانکی از دولت شده است. افزایش این مطالبات و کاهش توان مالی بانک ها در شرایطی که تورم از مقدار حقیقی این مطالبات می کاهد پیامد مساعدی برای سیستم بانکی به همراه نخواهد داشت. از طرف دیگر، افزایش تسهیلات تکلیفی بانک ها نیز به این بخش فشار می آورد. افزایش نرخ ارز و خروج سرمایه از کشور نیز سودآوری تسهیلات را برای بانک ها کاهش داده است. به طور دقیق تر در سال ۱۳۹۰ در میان اقلام عمده کالاهای صادراتی غیر از بخش های مرتبط با پتروشیمی و میعانات گازی، زیورآلات و جواهر آلات و اجزاء آن از فلزات گران بها رده دوم (رتبه نهم کل) را به خود اختصاص داده است. با توجه به رتبه این ردیف صادراتی در سال ۱۳۸۹ (رتبه ۲۷) می توان عنوان داشت که با توجه به شرایط تحریمی یکی از راه های خروج

سرمایه از کشور صادرات زیورآلات و جواهر آلات و اجزاء آن از فلزات گران بها می باشد. با این احتساب، تداوم روند مذکور (در بخش مطالبات و خروج سرمایه) بانکها را هم وارد جریان بسیار پرمخاطره ای خواهد ساخت. بررسی تجربه سایر کشورها نیز حکایت از این موضوع دارد که چنانچه این وضعیت جدی تلقی نشود، می تواند به بحرانی بزرگ ختم شود. در توضیح دقیق تر می توان به تجربه کشور اندونزی و ویتنام اشاره کرد.

تا پایان سال ۲۰۱۱ در کشور اندونزی هر دلار آمریکا معادل ۸۵۰۰ روپیه مبادله می شد. این در حالی است که در حال حاضر و در مبادلات نقدی دلار با نرخ ۹۶۳۰ روپیه مبادله می شود و افزایشی بیش از ۱۳ درصد را تجربه کرده است. این نرخ در مبادلات آتی ۱۲ ماهه از مرز ۱۰۰۰۰ روپیه نیز فراتر رفته است و انتظار می رود که این روند کاهش ارزش پول ملی اندونزی همچنان ادامه داشته باشد. این در حالی است که دولت بودجه خود را براساس دلار ۹۰۰۰ روپیه ای تدوین کرده است. زمینه بحران در جنوب شرق آسیا شرایط را برای خروج سرمایه از اندونزی و کاهش بیشتر ارزش پول ملی این کشور فراهم کرده است. این امر بدهی های خارجی اندونزی را نیز افزایش و به ورشکستی شرکت ها و بانک های این کشور منجر شده و افق نامطمئنی را پیشروی اقتصاد اندونزی قرار داده است.

در خصوص تجربه کشور ویتنام، میزان بدهی های وصول نشده سیستم بانکی در این کشور و وام های معوق آن به حجمی است که مجلس این کشور هشدار داده اگر دولت ویتنام اقدام عاجل در این خصوص نکند، ممکن است این وضعیت به بحرانی بزرگ و غیرقابل بازگشت ختم شود. پیش بینی ها بر آن است که این کشور مجبور به استفاده از برنامه وام ویژه نجات صندوق بین المللی پول برای تزریق ۱۲ میلیارد دلار به سیستم بانکی برای جلوگیری از بحران شود. بر اثر این تحولات شاخص بازار بورس کاهش شدیدی یافته و هر روز بر وخامت اوضاع آن افزوده می شود. کاهش رشد اقتصاد ویتنام نیز بر پیچیدگی اوضاع افزوده است.

همانگونه که مشخص است، با بالا بودن حجم مطالبات سیستم بانکی و نیز فرایند خروج سرمایه از کشور بیم آن می رود که جریان حرکت نظام بانکی، به سمتی باشد که به پیدایش بحرانی در این حوزه بینجامد. تلاش دولت برای کاهش بدهی های خود به سیستم بانکی می تواند مانع مهمی در جلوگیری از این روند باشد. از این رو پیشنهاد می شود که در کنار

برنامه‌ریزی برای تزریق نقدینگی به بانک‌ها از سوی دولت، مشوق‌هایی نیز از سوی بانک‌ها برای دریافت تسهیلات معوق صورت پذیرد. چراکه، از یکسو، با توجه به کاهش مانده تسهیلات اعطایی بخش‌های دولتی به بخش‌های تولیدی در کشور در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ انتظار بر آن است که بتوان با برنامه‌ریزی برای دریافت وام‌های معوق آن‌ها را در اختیار تولیدکنندگان قرار داد. از سوی دیگر نیز با بازگشت وجوه خطرات ناشی از ورشکستگی در بانک‌ها کاهش می‌یابد. علاوه بر این، افزایش خروج سرمایه از کشور نیز می‌تواند به افزایش بدهی‌های بانک مرکزی دامن زده و شرایط را پیچیده سازد. لذا، اتخاذ تدابیر سازنده در این حوزه نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.